

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مطالعات قرآنی و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال چهارم، شماره اول / پاییز و زمستان ۱۳۸۹

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فرودسی
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۱۶۸ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، شماره: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

E-mail: Quranmag@isu.ac.ir

Quranmagisu@mihanmail.ir

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، شماره: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

http://mag.isu.ac.ir

E-mail: mag@isu.ac.ir

جایگاه مقدسات در قرآن کریم

عین الله ارشادی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۳۰

چکیده

از آنجا که قدوس صفت خداوند است و تقدیس مطلق، تنها شایسته خداوند است، قداست هر چیزی نیز از خداوند ناشی می‌گردد. در این میان انسان با این ظرفیت آفریده شده است که بتواند در ارتباط با خداوند قداست یابد و مظهر «وَتَقَدِّسُ لَكَ» گردد و از ملائکه مقدس خداوند هم بالاتر رود.

علاوه بر انسان مواردی از اعمال، اشیاء، مکان‌ها و زمان‌ها نیز تجلی قدوسیت خداوند شده و یا مقدس خلق شده‌اند و یا در ارتباط با خدا قداست می‌یابند که و میزان قداست آنان بستگی به شدت ارتباط با خدا دارد. معمولاً هدف از قداست اعمال، اشیاء، مکان‌ها و زمان‌ها، تربیت قدسی و ربوبی انسان است. نگاه صحیح به مقدسات نگاهی است که آن‌ها را تجلی قدوسیت باری تعالی ببینیم و سبب تربیت قدسی و ربوبی ما گردد، نه آن که شائبه استقلال و جدایی از خدا و شرک داشته باشد.

در این تحقیق ضمن مراجعه به آیاتی که با صراحت یا غیر مستقیم مسئله مقدسات را مطرح کرده‌اند، با روش کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی به تفاسیر متعدد مراجعه شده و در نهایت این موضوع تبیین شده است.

واژگان کلیدی

قدس، قداست، مقدس، تقدیس، تربیت قدسی

طرح مسئله

از جمله اموری که اگر به درستی ماهیت و جایگاهش شناخته نشود زمینه‌ساز انحرافات فکری و اجتماعی بسیاری می‌گردد، مقدسات است. چنان که به وضوح شاهد افراط و تفریط‌های فراوانی پیرامون این مسئله مهم هستیم. عده‌ای از پایه و اساس منکر و عده‌ای جنبه استقلالی و الهی به آن‌ها داده و گروهی در صدد سوء استفاده بر آمده و مقدسات را وسیله‌ای برای رسیدن به اغراض فاسد و باطل خود قرار داده‌اند. این مسئله پیش از اسلام در میان جوامع الهی نیز بوده است چنان که پس از اسلام نیز گروهی در مدینه با ساخت مسجد و سوء استفاده از قداست آن در صدد رسیدن به مقاصد شوم خود در برابر پیامبر (ص) و حکومت اسلام بر آمدند که پیامبر به شدت با این جریان مقابله نمود.

گروه قاسطین نیز با قرآن به نیزه کردن در برابر حکومت الهی امام علی (ع) منافع شوم خود را جستجو کردند و با سوء استفاده از قداست قرآن به فریب افکار عمومی پرداختند.

در عصر حاضر نیز گاهی شاهد آن هستیم که عده‌ای مقام قدسی امام زمان (ع) را هدف قرار داده، ادعای ارتباط با حضرت کرده و یا از جایگاه قدسی سایر ائمه و امام زاده‌ها به هدف جاه طلبی و منفعت‌گرایی سوء استفاده می‌کنند و در مواردی خود لباس قداست پوشیده و عده‌ای را گمراه نموده‌اند. حال سوال اصلی این است که، علت اصلی انحراف، سوء استفاده و برخوردهای ابزار و سلیقه‌ای نسبت به مقدسات چیست؟ آیا عدم شناخت یا شناخت غلط و یا کم اطلاعی از ماهیت، جایگاه و نقش مقدسات، سبب این جریان خطرناک نیست؟ با فرض این مسئله آیا قرآن کریم جامع‌ترین و متقن‌ترین منبع در معرفی ماهیت، جایگاه و نقش مقدسات نمی‌باشد؟

بنابراین در پاسخ به این نوع سوالات که قداست چیست، از چه منبعی اخذ می‌گردد و مصادیق آن کدام است، به سراغ قرآن کریم رفته تا نگاه قرآن را به این مسئله بررسی نماییم و با روشی کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی ضمن مراجعه به تفاسیر با استفاده از نقطه نظرات مفسرین به بررسی، تبیین و نتیجه‌گیری بپردازیم.

۱. قداست در قرآن

واژه «قدس» و مشتقاتش نظیر «قدوس، قدس، تقدس، مقدس و مقدسه» ده مرتبه در آیات قرآن کریم ذکر شده است، که از این تعداد دو آیه با صراحت خداوند را توصیف به «قدوس» کرده است.

آیه اول: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ...» (حشر: ۲۳).

اوست خدای یکتا که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آلایش، منزّه از هر عیب و ناشایست است.

آیه دوم: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ...» (جمعه: ۱). آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می‌گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا است.

در لغت «قدس، قدساً» به معنای پاک شدن و «قدس» پاکی و «قدوس» پاک، مبارک، از اسماء باری تعالی و «مقدس» به معنای جای پاک آمده است. (سیاح، ۱۳۶۵، ج ۳-۴، ص ۱۲۳۵).

مفسرین در معنای «قدوس» ذیل آیات مذکور می‌گویند:

الف: «قدوس» یعنی پاک از هر عیب و نقصی و آفتی و منزّه از زشتی‌ها است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ذیل واژه «قدس»؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۴، ص ۳۴۷).

ب: قدوس یعنی پاک و منزّه از هر عیب و نقص و مبری از تمام قبایح و مطهر از شریک و فرزند است و متصف به صفات اجسام نیست و قابل تجزیه و انقسام نمی‌باشد (میرزاخسروانی، ۱۳۹۷ق، ج ۸، ص ۲۵۴).

ج: قدوس، مبالغه در قدس، نزهت و پاکی را افاده می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۳۸۴).

و ذیل آیه دوم می‌فرمایند:

د: قدوس یعنی مستحق تعظیم و پاک از هر نقص (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۳۴).

هـ: قدوس یعنی شایسته احترام و پاک از هر پلیدی (عاملی، ۱۳۶۳، ج ۸،

ص ۲۷۰).

و: «القدوس: التنزه عما يخطر ببال اوليائه و قيل القدوس مسلوب من الصفات السلبيه و معناه المبارک و المنزه» (رهنما، ۱۳۵۴، ج ۴، ص ۳۳۲).

ز: و در بیانی عمیق در تفسیر ماهیت قدوس آورده‌اند: هر موجودی بر حسب تحلیل، نتیجه «ایجاد و وجود» است و هر دو متحدند. ایجاد، عبارت است از صدور فیض و فعل پروردگار و فوق زمان که پی در پی افاضه می‌شود، هر موجودی رابطه نور هستی آن از فوق عالم طبع و نور هستی پرتوی است که از فوق عالم ماده تابیده و همه ذرات ریز و کلان پرتو افکنده و آن‌ها را به حرکت در می‌آورد و به سوی مقصد مشخصی هر موجودی را سوق می‌دهد، و یگانه رابطه‌ای است که هر موجودی را با آفریدگار مرتبط نموده و این رابطه اختصاص به آفریدگار دارد، و منشاء همه کمالات بوده، بلکه همه کمالات از شئون نور هستی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۵۴).

بدین لحاظ هر موجودی در هر مرتبه‌ای از هستی که بهره‌مند است، قیام به تسبیح و تنزیه ساحت پروردگار می‌نماید. زیرا نور هستی رابطه ملکوتی و ربط محض است؛ و فقط اولیاء و ارواح قدسیه می‌توانند تسبیح و تنزیه که لازم ربط و ارتباط آنها به ساحت پروردگار است را مشاهده نمایند. رسولان و ارواح قدسیه (ع) که وسایل فیوضات و غرض از خلقتند به جهان و موجودات با نظر قدس و نیروی ملکوتی می‌نگرند و مدح و خضوع آن‌ها را به پیشگاه پروردگار مشاهده می‌نمایند. (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۶، ص ۳۴۴).

از این قول استفاده می‌شود که قدسیت و قداست آن رابطه ایجاد خاصی است که خداوند با وسایل و فیوضات خود به طور خاصی در ارتباط با سایر موجودات که مرتبه پایین‌تری از نور هستی برخوردارند ایجاد کرده است؛ و صفت «قدوس» مطلق، خاص خداوند است و سایر موجودات قدسی در ارتباط با صفت «قدوس» متصف به قداست می‌گردد؛ و این ارتباط و اتصاف دو سویه است. از یک سو موجودات با گرایش ذاتی، به تقدیس و تسبیح قدوس مطلق اقدام کرده و از سوی دیگر صدور فیض و فعل پروردگار است که پی در پی افاضه و منشاء همه کمالات می‌گردد.

آیه سوم: «وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ...» (بقره: ۳۰)

و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تو را تقدیس می کنیم. در این آیه نیز واژه تقدیس به خداوند اختصاص یافته است. چنان که در تفسیر آیه شریفه گفته اند: تقدس از مصدر تقدیس، به معنای تنزیه از نواقص است و (لام لک) تأکید در اختصاص و ضمیر (ک) خطاب به خداوند است، یعنی برای شایستگی ذاتی آفریدگار و اهلیت او همواره او را پرستش نموده و از نواقص امکانی تنزیه می نماییم، بدون شائبه خوف و یا طمع (حسینی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۰۰).

چنانکه متذکر شدیم با استناد به آیاتی که ذکر شد «قدوس» صفت پرودگار عالم و به معنای پاکی از هر عیب و نقصی که به ذهن خطور نماید در تمامی ابعاد، از ذات، صفات و افعال؛ و شایسته تعظیم و ستایش است. بنابراین، قداست مطلق خاص خدا است و قداست هر انسان مقدس یا زمان، مکان و اشیاء مقدس، متناسب با مقدار ارتباطش با خداوند حاصل می گردد.

چنان که گفته اند: «در اسلام نیز افراد، ساعات و مکانها و حتی برخی گیاهان و جمادات قداست دارند و ریشه قداست و کرامت همه آنها در اسلام، وابستگی به ذات مقدس خداوند است و هر چه وابستگی آن به خدا بیشتر باشد قداست آن هم بیشتر است و ما باید احترام آنها را حفظ کنیم» (قرائتی، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

حاصل کلام این که قداست را خداوند به موجودات اعم از انسان و غیره عطا می کند، اگرچه موجودی به مانند انسان به لحاظ ویژگی «مختار» بودنش علاوه بر این که خداوند می تواند بدون لحاظ اختیارش به او روح قدسی عطا نماید، خود نیز می تواند با توجه به خلقتش، مقدس شود و قداست را اکتساب نماید چنان که در تفسیر «تقدس لک» بعضی گفته اند: «ای و نظهر انفساً عن الذنوب لأجلک» یعنی، پاک می سازیم نفوس خود را از گناهان به واسطه تو، پس ما معصوم و منزّه ایم از ذنوب که ما احق به خلافت باشیم نه دیگری که محفوف به ذنوب است (شریف لاهیجی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸).

اگرچه این آیه در خصوص ملائکه آمده لکن انسان به لحاظ مختار بودنش اولی از ملائکه است. چنان که در آیه شریفه می فرماید:

«وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ» (آل عمران: ۷۹)

بلکه (سزاوار مقام او این است که بگوید) مردمی الهی باشید، آن گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید (و غیر خدا را پرستش نکنید).

در تفسیر آمده است: آیه شریفه مبنی بر تنزیه ساحت پیامبران و رسول اکرم (ص) و تنزیه عیسی مسیح (ع) به خصوص است به این که پروردگار به گروهی از افراد بشر حکمت آموخته و به وظایف آراسته و روح قدسی به آنان موهبت فرموده و از هرگونه تخلف و لغزش آنان را ایمن داشته و برای تعلیم و تربیت بشر و سوق آنان به سوی سعادت برگزیده، چگونه تصور می‌رود چنین افراد ممتازی مردم را به پرستش خود بخوانند؟ (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ق، ج ۳، ص ۱۲۲).

و نیز گفته‌اند: «وقتی خداوند به پیامبری علم داد و از حقایق آگاهی نمود و با تربیت ربانی خود بارش آورد، دیگر او را و نمی‌گذارد که از طور عبودیت خارج گردد و به او اجازه نمی‌دهد در آنچه حق تصرف ندارد، تصرف کند. به معنای دیگر تربیت ربانی و هدایت الهی امکان ندارد که از هدفش تخلف کند و نقض غرض را نتیجه دهد. و کلمه ربانی که جمعش ربانین است منسوب به رب است و ربانی به کسی گفته می‌شود که اختصاص و ارتباطش با رب شدید و اشتغالش به عبادت او بسیار است و معنای آیه این می‌شود که شما باید به خاطر تعلیمی که از کتاب به دیگران می‌دهید و به خاطر درستی که از کتاب دارید بیشتر از سایرین به خدا نزدیک شوید و بیشتر عبادتش کنید» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۳۷).

نکته مهم این که از جمله ظرفیت‌ها ناشناخته انسان که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، قدسی شدن و قداست می‌باشد که وجه تمایز انسان از سایر موجودات است. چنان که گفته‌اند: «آنچه سبب ترجیح انسان بر سایر حیوانات است نفس اوست که از جنس ملائکه مقدسه است و بدن حکم مرکب برای نفس دارد که به وسیله آن از عالم اصلی و موطن حقیقی به این دنیا آمده تا از برای خود تجارتی کند و سودی اندوزد و خود را به انواع کمالات بیاراید و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده نماید و باز مراجعت به موطن اصل خود نماید؛ و صحت و راحت روح عبارت است از اتصاف او به اوصاف قدسیه و ملکات ملکیه که موجب قرب حضرت باری و باعث نجات و رستگاری است» (نراقی، ۱۳۳۲، ص ۹ و ۱۱).

۱-۱. قداست برگزیدگان خدا

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (احزاب: ۷).

و آن هنگام که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه آنها پیمانی سخت گرفتیم.

روی سخن و خطاب به رسول اکرم (ص) است که از ساحت کبریایی بشر پیمان عبودیت و اقرار به ربوبیت ساحت قدس گرفته و ضمناً به جامعه اسلامی اعلام می‌نماید که از رسولان صاحب دین و کتاب، عهد و پیمان مؤکد گرفته شده به این که آفریدگار به وحدانیت و بی‌همتایی و صفات کامل شناخته و اقرار نمایند و نیز به عبودیت او قیام نمایند و نیز سمت تعلیم و تربیت بشر را به عهده گرفته و مکتب توحید را در جهان بنا نمایند و مردم را به پیروی از برنامه آن دعوت نمایند (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۳، ص ۵۹).

در نتیجه قداست انبیاء به این است که خود را برای خدا پاک و خالص ساخته و عبودیت را در عالی‌ترین درجه انجام می‌دهند و متعهد به عهد الهی شده و هرگز میثاقی که با خدا بسته‌اند را فراموش نکرده‌اند. به علاوه ماموریت بسیار مهم، دعوت به توحید و یکتا پرستی و دوری از شرک و بت پرستی و طاغوت را در سخت‌ترین شرایط انجام داده‌اند. بنابراین قداست انبیاء، هم به جهت پاکی ذاتی و شخصیتی آنان است و هم به جهت ماموریت و مسئولیت خطیری است که به دوش گرفته‌اند و در پست و سمت مری و معلم بشر اداء تکلیف کرده‌اند؛ و این قداست سبب تعظیم و تکریم آنان می‌شود تا آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶).

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

و در آیه بعد نسبت به آزار و اذیت پیامبر هشدار می‌دهد؛ و در سوره حجرات نیز آداب رسیدن به محضر رسول خدا(ص) و چگونگی تعامل با حضرت را یادآوری می‌کند که:

«لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (حجرات: ۱)

بر خدا و رسول پیشی نگیرید.

و نیز می‌فرماید:

«لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ» (حجرات: ۲)

صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید و در برابر او بلند سخن نگوئید (و داد و فریاد نکشید).

در ادامه آداب دیگری را بیان فرموده که گویای لزوم تعظیم و تکریم از رسول خدا(ص) است. بنابراین تمام پیامبران و اولیاء الهی و نیز ائمه(ع) جانشینان رسول خدا(ص) و علمای ربانی که در روایت آمد، علما وارثان انبیاء هستند و یا می‌فرماید: «علماء امت من مثل انبیاء بنی اسرائیل هستند»، مقدس‌اند و تکریم و تعظیمشان ضروری است. علماء ربانی نیز که خود را برای خدا پاک و خالص کرده‌اند و عهد و میثاق بندگی خدا را پذیرفته‌اند و مروجان مکتب توحید و یکتا پرستی شده‌اند، مقدس بوده و تعظیم و تکریمشان ضروری است و هدف از ارتباط با انسان‌ها مقدس، همچون «انبیاء، اوصیاء، صلحاء، علما و ...» تقویت بنیه قدسی و ربوبی شدن است چنانچه یکی از روش‌های کاربردی در نظام تربیتی اسلام معاشرت و مجالست است.

در تأیید این مطلب فرمایش امام علی(ع) را متذکر می‌شویم که می‌فرماید: «جَالِسِ الْعُلَمَاءَ يَزِدْ عِلْمَكَ وَ يَحْسُنْ أَدَبَكَ وَ تُزَكِّوْا نَفْسَكَ» (عتیمی آمدی، ۱۳۶۶، فصل ۱، ص ۴۳۰).

چنانکه عالمان تربیتی گفته‌اند: «برای رسوخ ملکات اخلاقی، یکی از شیوه‌های عملی، معاشرت با افراد صالح و دارای فضایل اخلاقی است. که از جمله دلایل روان شناختی آن را «الگوگیری و تقلید» دانسته‌اند (آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱).

۲-۱. جایگاه مقدسات در اثرگذاری

مقدسات، انسان را از عالم مادی به عالم روحانی سوق می‌دهند و مظهر قداست و صفت قدس الهی می‌شوند. قرآن کریم علاوه بر انسان، برای اعمال نیز قداست قائل است چنان که هجرت، مقدس دانسته شده؛ و مورد تقدیر و اجر الهی واقع می‌شود و می‌فرماید:

«وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (نساء: ۱۰۰).

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او از خانه خود بیرون رود سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست.

و نیز مرگ در راه خدا و شهادت فی سبیل الله تعبیر شده که امری مقدس است و خون شهید نیز قداست دارد. همچنین است جهاد در راه خدا، مبارزه با کفر و شرک و ظلم و ستم که دفاع مقدس نام می‌گیرد. و نیز صوم و صلاة و حج و ده‌ها عمل دیگر. علاوه بر اعمال، در میان مکتوبات و کتب، کتب آسمانی مقدس‌اند، قرآن توصیف به مبارک، عظیم، مجید و کریم شده است، بنابراین قرآن شایسته تعظیم، تکریم و تمجید است.

از این رو ارتباط و تماس با قرآن دارای آدابی است: داشتن طهارت در مراجعه به قرآن «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعہ: ۷۹)، چگونه خواندن قرآن کما و کیفاً، چگونه نشستن در مجلس و محضر قرآن، استماع و موارد متعدد دیگر. این نوع دستورات در تعامل با قرآن گویای قداست و جایگاه قدسی این کتاب زندگی است.

در قرآن بعضی از زمان‌ها نیز از کرامت، حرمت و قداست برخوردار است لذا در خصوص آن زمان‌ها، دستورالعمل‌ها و آدابی ذکر شده است، مانند، ماه‌های حرام، ماه رمضان، ليله القدر و ایام البیض.

در قرآن از سرزمین و اماکن مقدس نیز یاد شده است، اماکنی مانند: مساجد به ویژه مسجدالحرام و کعبه، مسجدالاقصی یا بیت المقدس، صفا و مروه، خانه پیامبران و ائمه و... ذکر شده است. در تعامل با این نوع مقدسات آداب و تشریفات خاصی

تعریف شده تا انسان بیشتر بتواند از فیض قدوسیت الهی که متجلی در اماکنی شده است برخوردار گردد و در ارتباط با این اماکن تربیت ربوبی و قدوسی یابد. چنانکه در منابع اخلاق نیز، یکی از عوامل مهم تکوین و تغییر انسان، شرایط مختلف محیطی اعم از زمان، مکان و محیط اجتماعی ... و فراهم نمودن محیط تربیتی مساعد و مناسب می‌توان رفتار، افکار و خصلت‌های متربی را تغییر دهد. مبنای روان شناختی این روش، اصل تأثیرپذیری انسان از شرایط محیطی است. این روش معمولاً از طریق اولیاء متربی با شیوه‌های «زمینه سازی، الگو سازی و تغییر موقعیت» اتفاق می‌افتد (آذربایجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰).

در نتیجه چنین به نظر می‌آید که یکی از زمینه‌ها و ابزارهای مهم تربیت قدوسی خداوند برای انسان، وجود مقدسات «اعم از انبیاء، اوصیاء ائمه، صلحا و ... و اماکن، زمان‌ها و اشیا مقدس» است، تا انسان با اتکاء به ویژگی تأثیرپذیری از شرایط محیط، در تعامل و ارتباط با آن‌ها، به منبع فیض الهی متصل، و بدین وسیله متصف به صفت قدوسی گردد. در نهایت این نوع تعامل با مقدسات است که سبب رشد و تعالی انسان می‌شود، نه نگاه استقلال‌ی و توقف‌گرا.

نتیجه‌گیری

قدوس، صفتی از صفات الهی است و این صفت به تأیید آیات ظهور در انسان‌ها، اعمال، اماکن و اشیا می‌یابد. قداست برای انسان با توجه به گرایش ذاتیش به تقدیس قدوس مطلق، اکتسابی است و خداوند انسان را با این ظرفیت خلق کرده است که بتواند قدوسی و مقدس شود. قداست انسان محصول و نتیجه پاکی فکر و اندیشه، رفتار و کردار و گفتار و نیز ارتباط با خداست. انسان در ارتباط با خداوند متعال است که مقدس می‌شود، اما در خصوص قداست مکان‌ها، زمان‌ها، اشیا و اعمال، قداست از سوی خداوند به هدف تربیت قدوسی انسان ایجاد می‌گردد و بعضاً قداست این‌ها به خاطر عملی است که در آنجا صورت می‌گیرد.

از این رو هر شخص یا عمل یا زمان و مکان یا هر مکتوب و کتابی که بتواند در تربیت ربانی انسان و نیز رشد جنبه قدوسی انسان، مؤثر واقع شود، به مقدار و اندازه اثر

گذاریشان مظهر صفت قدسی باری تعالی شده و مقدس است. در نگاه به مقدسات باید تجلی قدوسیت خداوند را نظاره کرد و بر اساس آداب و دستورالعمل وحی رفتار نمود، نه آن که جنبه استقلالی به آنها داده و رفتار ذوقی و سلیقه ای داشته باشیم. بنابراین باید تکریم و تعظیم مقدسات، تجلی عبودیت حق و «تُقَدَّسُ لَكَ» باشد و ذره‌ای شائبه جدایی از خدا نداشته باشد.

از این رو، رویکرد تکریمی و تعظیمی نسبت به مقدسات فی نفسه هدف نیست بلکه زمینه‌ای است برای رشد و شکوفایی جنبه قدسی و ملکوتی انسان و رسیدن به مراتب قرب الهی.

کتابنامه

قرآن کریم.

آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۱)، اخلاق اسلامی، قم: معارف، دهم.

حسینی، حسین (۱۳۶۴)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میثاق، چاپ اول.

حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰ق)، تفسیر انوار درخشان، تهران: لطفی.

رهنما، زین العابدین (۱۳۵۴)، تفسیر رهنما، تهران: بی نا.

سیاح، احمد (۱۳۶۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: چاپ اول.

شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد شیخ علی (۱۳۶۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: انتشارات علمی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.

طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تأویل آی القرآن، ترجمه فراهانی، تهران: انتشارات دارالتقلین، چاپ اول.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر عاملی، تهران: صدوق، چاپ اول.

عتیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

قرائتی، محسن (۱۳۸۰)، تفسیر سوره حجرات، تهران: موسسه درس‌هایی از قرآن، دوم.

عبد الباقي، محمدفؤاد (۱۳۶۴)، المعجم المفهرس، قاهره: مكتبة المصريه.
مكارم شيرازي، ناصر و همكاران (۱۳۶۶)، تفسير نمونه، تهران: اسلاميه.
ميرزا خسرواني، عليرضا (۱۳۹۷ق)، تفسير خسروي، تهران: اسلاميه.
نراقي، ملا احمد (۱۳۳۲)، معراج السعادة، تهران: اسلاميه، اول.

